

با ما در ارتباط باشید

ایمیل: info@shahrara.com
ایمک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
پیام رسان: ۰۹۱۵۴۲۹۴۵۸۰
تلفن: ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵

شهرداری

غلامرضا جلالی! شهردار محترم! ما اهالی کوی کارمندان دوم، چند مطلب را درخواست کرده بودیم از شهردار محترم منطقه. یکی دیوار راه آهن که مدتی است رنگ آمیزی نشده و بسیار کثیف است. آسفالت خیابان و کوچه‌ها هم به دلیل کنده کاری متعدد وصله‌وپینه شده است.

۰۶۷۲...۰۹۰۲:بولوار صبا، صباي ۱۵/۱چندین سال است که فاقد روشنایی و کاملاً خاکی رها شده است. از شهرداری منطقه ۷خواهشمندیم رسیدگی کند.

قوه قضائیه

حسن زاده! شاگرد ساندویچ فروشی هستم. در دی ماه ۹۸ در حال بستن در مغازه بودم. یک گروه اوپاش واراذل باهم در گیری مسلحانه داشتند و در این میان، ناگهان به پای من تیری اصابت کرد و آن‌ها هم فرار کردند. الان ۹ماه است که در گیر این قضیه هستم و کارم به عمل جراحی کشیده است؛ به دلیل اینکه هزینه عمل دومم سنگین بوده، پایم عفونت کرده است و دکتر ها گفتند باید قطع بشود. همان موقع شکایت کردم، اطلاع داریم که آن شخص در مازندران دستگیر شده است و به قید وثیقه آزاد است، ولی قاضی با ما روبه‌رویش نمی‌کند. چندبار تصمیم به خودکشی گرفتم. یک بچه چهار ساله هم دارم. داشتم زندگی ام را می‌کردم. واقعا کسی نیست به داد من برسد؟

صداسیما

ابراهیم نژاد! تبلیغ یک صابون حمام با به کار بردن عبارات زشت و بی ادبانه (خیلی توی کفی) در صداسیما که به‌فرموده امام امت، قرار بوده دانشگاه باشد، خجالت‌آور نیست؟

راهنمایی‌وراندگی

جعفریان! چراغ‌های راهنمایی در خیلی از تقاطع‌های مشهد به‌خاطر پرده نوشته‌ها با برگ‌های درختان، به خوبی رویت شدنی نیست؛ مثل پنجره سناباد یا تقاطع مجلسی طبرسی.

سازمان ترافیک

گروسی! در تابلو زمان‌نگار پروژه تقاطع غیر همسطح مصلی، رقم ۲۰۷روز (برای ۲۰شهریور) تا پایان پروژه نمایش داده شده. باتوجه‌به نزدیک‌شدن فصل سرما و بارش، تقاضا داریم سرعت عمل ساختمان تقاطع بیشتر شود تا زودتر به پایان برسد. ترافیک در این منطقه امان مردم را بریده است.

دولت

نجفی! می‌گویند سلامت دانش آموزان باید مورد توجه مدرسه، آموزش و پرورش و... قرار بگیرد، در صورتی که مدارس یک ضایع‌نامه از اولیا می‌گیرند که اگر دانش آموز کرونا گرفت، مدرسه مسئولیتی ندارد! البته ما با چنین مواردی بیگانه نیستیم، چون از بیماران هم امضا می‌گیرند که اگر کردند دکتر مقصر نیست.

آموزش و پرورش

۰۸۵...۰۹۱۵: دیستان شهید فرزین‌فر ناحیه ۶ مشهد هنوز پول سرویس سال قبل دانش آموزان را به والدین برگشت نداده و هرروز بهانه‌ای می‌آورد. با اداره هم تماس گرفتم، گفتند پیگیری می‌کنیم ولی هیچ اتفاقی نیفتاده است.

اتحادیه نانواها

شهروندان می‌خریم، نان‌های سوخته و خمیر را لای نان بهتر می‌گذارند و تحویل مشتری می‌دهند. اعتراض می‌کنیم، می‌گویند شلوغ است یا نان همین است! این درست است یا؟ چقدر قلب؟

نیروی انتظامی

۰۱۶۰...۰۹۳۵: چرا نیروی انتظامی مقتدرتر برای امنیت و آسایش مردم عمل نمی‌کند؟ دردان و قاچاقچیان خیلی آزاد و جسورانه هر کاری می‌کنند.

گرانی

مجید صولاتی! علت تورم و گرانی، تکذیب‌های دولت است. تکذیب بعضی گرانی‌ها از سوی دولت، تورم را شدیدتر می‌کند.

کاظم محمودزاده! چرا مسئولان درباره اقتصاد معیشتی مردم کم می‌آورند! آیا می‌توانید روی حرف یا شعاری که عنوان می‌کنید بمانید؟ مردم می‌توانند روی شعارتان حساب باز کنند یا خیر؟ نمونه‌اش سهام عدالتی که چند هفته‌ای هست جزو سرمایه بانک‌ها شده است.

سازمان اتوبوس‌رانی

۰۱۵۸...۰۹۳۶:خط ۱۲ هم در مسیر رفت و هم در مسیر برگشت با حداقل مسافر سرویس دهی دارد که این مورد به ضرر شرکت خصوصی مربوطه است. اتوبوس‌های بزرگ‌پیکر این خط را به خط ۳بی‌آرتی برگردانید و برای خط ۱۲ از اتوبوس‌های جدید در اندازه معمولی استفاده بشود.

شهرتاری

روزنامه شهرامید وزنگی

شنبه ۲۹ شهریور ۱۳۹۶ (اسفند ۲۲۲ شماره ۳۲۵)

SHAHRARANEWS.IR

۰۴

جامعه

محدثه شوشتری

m.shushtari@shahraranews.ir



گزارش روز

برای واکاوی پرونده‌های تجاوز و تعرض، پای صحبت‌های کارشناس معاینات بالینی پزشکی قانونی خراسان رضوی نشستیم که سه دهه از عمرش را به بررسی پرونده‌های زنان گذرانده است. رابعه میرسعیدی از سال ۶۹ در پزشکی قانونی مشغول به کار بوده و حالا در آستانه بازنشستگی است. نزدیک به ۲۰سال تمام به پرونده‌های مختلف در پزشکی قانونی رسیدگی کرده و حالا این کارشناس خبره با نزدیک ۶۰سال سن، از تجربیات خود در مواجهه با این پرونده‌ها می‌گوید. او داستان غم‌انگیز خیلی از دختران و مادران این شهر را شنیده که چگونه یک متجاوز، تمام زندگی‌شان را به آتش کشیده است. از آنجاکه یکی از وظایف بخش معاینات بالینی پزشکی قانونی، بررسی وضعیت جسمانی قربانیان تجاوز به عنف و تایید یا رد وقوع تجاوز به عنف است، با این کارشناس درباره ناگفته‌های این پرونده‌ها گفت‌وگو کردیم.

شاید مهم‌ترین سوال این باشد که پزشکی قانونی چطور تجاوز را تشخیص می‌دهد؟ قطعاً گزارش پزشکی قانونی اصلی‌ترین مبنای محاکمه هر متجاوزی است.

تشخیص تجاوز در پزشکی قانونی از طریق معاینات و همچنین نمونه‌برداری از آثار به‌جامانده از متجاوز و انجام آزمایشات دی‌ان‌ای امکان‌پذیر است اما نکته مهم مراجعه بموقع قربانیان تجاوز است. موضوع مهمی به نام «زمان طلایی» در این پرونده‌ها مطرح است که اگر در این زمان قربانیان به ما مراجعه کنند، امکان تایید یا رد تجاوز وجود دارد. ما توصیه می‌کنیم قربانیان حتی لباس‌های خود را عوض نکنند یا به هیچ وجه دوش نگیرند تا در نمونه‌برداری برای آزمایشات دی‌ان‌ای بتوان از آثار به‌جامانده متجاوز استفاده کرد. درواقع ما تمام یافته‌ها را ثبت و ضبط می‌کنیم و بر این اساس گزارش کارشناسی تهیه می‌شود. اما متأسفانه در خیلی از موارد، آشفته‌گی و گنگی معمول پس از این اتفاق برای قربانیان تجاوز، یکی از دلایل عمده از بین‌بردن مستندات است.

زمان طلایی دقیق چند ساعت یا چند روز است؟ بدیهی است که اغلب قربانیان تجاوز شاید نتوانند ساعت‌های اولیه یا خود کنار بیایند که شکایت کنند یا نه. شاید آن‌قدر در بحران روحی و جسمی باشند که اصلاً تصمیمی درست و بموقع نتوانند بگیرند.

همین‌طور است. این اتفاق، واقعه رنج‌آوری برای هر زن است که سال‌ها و حتی برای تمام عمر در گوشه‌ای از

ذهنش آزارش می‌دهد؛ به‌همین دلیل بعد از این حادثه طبیعی است که بلافاصله نتوانند خودشان را در یابند و تصمیم قاطعی برای شکایت و مراجعه به پزشکی قانونی بگیرند. با این حال این به نفع خودشان است که برای اثبات حقانیت خود و به دام انداختن متجاوز سریع‌تر اقدام کنند. هر چه زودتر و بدون برهم‌زدن شواهد اولیه به ما مراجعه کنند، به تایید گفته‌هایشان کمک می‌کند. ۷۲ساعت اول و نهایتاً پنج‌روز اول بعد از تجاوز، زمان طلایی برای بررسی این موضوع است. بعد از این زمان بررسی سخت یا نشدنی است. با این حال اگر تجاوز به دختر باکره صورت گرفته باشد تا یک‌ماه بعد از آن نیز قابل اثبات است.

به‌موضوع نمونه‌برداری از آثار به‌جامانده از متجاوز اشاره کردید. با این نمونه‌برداری آیا امکان تشخیص هویت متجاوز در بررسی‌های پزشکی قانونی وجود دارد؟
بله، امکان تشخیص وجود دارد اما همان‌طور که تاکید کردم بستگی به شواهد و استنادات قابل ارائه و بموقع قربانی تجاوز دارد. اگر روی لباس قربانیان، آثار متجاوز باقی مانده باشد با آزمایشات دی‌ان‌ای احتمال تشخیص وجود دارد. اما متأسفانه قربانیان تجاوز خیلی دیر برای شکایت و ارجاع به پزشکی قانونی اقدام می‌کنند و در بیشتر موارد هم به دلیل ترس یا آبرو اصلاً دنبال شکایت و پزشکی قانونی نیستند.

با قربانی تجاوز که به شما پناه آورده و شاید شما اولین فردی باشید که رانش را نزد شما بازگو کرده است، چطور رفتار می‌کنید؟

این افراد وقتی به ما در پزشکی قانونی مراجعه می‌کنند، از نظر روحی بسیار آشفته و پریشان هستند. گاهی فقط تا لحظاتی اشک می‌ریزند یا از شدت فشار روحی و روانی نمی‌توانند صحبت کنند. برای این مراجعه‌کنندگان وقت زیادی می‌گذارم؛ گاهی صحبت و معاینات بالینی مراجعه‌کننده تا دو ساعت هم زمان می‌برد اما با حوصله تمام تلاش خود را می‌کنم. سعی می‌کنم با جملات ساده مثل اینکه «ترس؟ اینجا جایب امن است و کسی نمی‌تواند تو را اذیت کند؛ من کمکت می‌کنم؛ من اینجا هستم که حرف‌هایت را بشنوم؛ سعی کن دقیق و هر قدر می‌توانی به ما شواهد بدهی تا کار در مجازات متجاوز پیش بیفتد» او را کمی آرام کنم. باوجوداین، آثار روحی و روانی یک تجاوز، در چند

اغلب قربانیان در «زمان طلایی» شکایت نمی‌کنند

واکاوی پرونده‌های تجاوز در گفت‌وگو با کارشناس معاینات پزشکی قانونی که ۳دهه از عمرش را پای این پرونده‌ها گذاشته است

تجاوز باشنند.

از بین پرونده‌های متعددی که در آن‌ها قربانیان تجاوز نزد شما آمده‌اند، می‌توانید یک نمونه را که شما را متاثر کرده است، بیان کنید؟

من خودم یک زن هستم و احساسات زنان را خوب می‌فهم. ساعت‌ها، روزها و حتی شب‌ها، داستان غم‌انگیز بسیاری از این قربانیان در ذهنم می‌ماند و ناراحتم می‌کند؛ پرونده‌هایی نیز که قربانیانش کودک هستند، بسیار متاثر می‌کند.

گاهی به رفتن متجاوزان نیز در توضیحاتی که قربانیان می‌دهند، فکر می‌کنم؛ اینکه برخی از آنان با گرگ‌صفتی، وحشیگری و رفتاری غیر انسانی، زندگی یک زن را تا مرز نابودی می‌کشانند. به خاطر دارم یک متجاوز به

صورت سریالی به دختر بچه‌های دبستانی آزار جنسی می‌رساند. تلاش کردیم با کمک پدر یکی از این قربانیان و نام و نشانی‌ای که از متجاوز می‌دهد، زودتر این فرد گرگ‌صفت را شناسایی کنیم تا دختر بچه‌های دیگر را در مسیر مدرسه مورد آزار جنسی قرار ندهد. در مواردی، حتی شنیدن رنجی که به یک قربانی تجاوز تحمیل شده، برای افراد عادی سخت است، حال ببینید بر آن قربانی چه می‌گذرد و چه آثاری بر روح و روان وی باقی می‌گذارد. **و در پایان، به‌عنوان فردی که سال‌ها با قربانیان تجاوز در پزشکی قانونی سر و کار داشته‌اید و داستان غم‌انگیز خیلی از دختران و زنان این شهر را از زبان خودشان شنیده و به چشم، رنج آن‌ها از تجاوز را دیده‌اید، چه توصیه‌ای برای درمان‌ماندن زنان از تجاوز دارید؟**

اولین توصیه‌ام به مادران است که به هیچ وجه دختر بچه‌های خود را برای خرید، تنها به نانوایی و سوپرمارکت‌ها نفرستند و مراقب بازی آن‌ها در کوچه و خیابان باشند. خیلی از پرونده‌هایی که برای دختر بچه‌ها و دختران کم‌سن‌وسال اتفاق افتاده، ناشی از همین غفلت بزرگ‌ترها و سوءاستفاده متجاوزان است. برای زنانی هم که بزرگ‌سال و دختر بچه نیستند، همین توصیه را دارم که تاحد ممکن از تردد در مکان‌های خلوت و شب‌هنگام خودداری کنند. برای تردد از خودرو نا آشنا و غریبه استفاده نکنند. و اما مهم‌تر از همه به دختران نسل امروز توصیه‌ام این است که فریب نخورند. وقتی دختری با پسری که تازه آشنا شده است به میهمانی و باغ و... می‌رود، نمی‌داند که نقشه‌ای برای او چیده شده و ممکن است حادثه ناگوار ی مثل تجاوز درانتظارش باشد. باید آگاهانه در این موارد تصمیم گرفت و به‌راحتی و با دو جلسه صحبت با پسری باو راهی مکانی نشد؛ همین سرزنش به فکر درمان آسیب‌های ناشی از



سکوت‌بره‌ها و گریز‌گرگ‌ها

چند روایت از قربانیان تجاوز

محدثه شوشتری

m.shushtari@shahraranews.ir

ندا فقط اشک می‌ریخت و با ترس زیر لب زمزمه می‌کرد: «به بابام می‌گم». اما نه اشک‌های ندای هفت‌ساله و نه تن نحیف و کودکانه‌اش، سدی در برابر هوس‌های شیطانی میوه‌فروش محل که خودش هم صاحب فرزند بود و سن‌وسالی از او گذشته بود، نشد. آزار جنسی‌اش که تمام شد از

گزارش روز

گذاشته و قرار بود به‌خاطر شاگردا دل‌شدنش یک هفته به مسافرت کنار دریا بروند. اما درست شب قبل از مسافرت، مرد همسایه نصف شب وارد خانه آن‌ها شد و با توسل به زور و تهدید، هم به مادر مریم و هم او تجاوز کرد. پدر مریم شب‌کار بود و مرد همسایه از نبودن او سوءاستفاده کرد برای نقشه شیطانی‌اش.

مرد جلو چشم مریم به مادرش تجاوز کرد و او که دست و پا و دهانش با شال محکمی بسته شده بود، فقط جیغ می‌کشید اما دهانش بسته بود و صدایش به جایی نمی‌رسید. آن قدر جیغ کشید که به سرفه افتاد و سپس نفسش بند آمد. در همان حال، مرد شیطان‌صفت مادر را رها و به مریم تجاوز کرد.

مریم به اینجا ی ماجرا که می‌رسد، صدایش مثل ۱۷سال

پیش که برای چند هفته قطع شده بود، قطع می‌شود. لحظاتی هق‌هق اشک می‌ریزد و می‌گوید: آن کثیف همان‌طور که من استغراق می‌کردم، به کارش ادامه می‌داد؛ از حیوان هم پست‌تر بود. سال‌هاست با خودم می‌گویم کاش من و مادرم در یک بیابان، شکار حیوانات درنده و تکه‌تکه می‌شدیم اما زیر دست آن شیطان‌صفت نمی‌افتادیم. از آن شب به بعد، مرد روانی متواری شد. مریم از کابوس‌های بعدش می‌گوید که هیچ‌وقت او و مادر را آرام نگذاشته است. می‌گوید: مادرم می‌ت رسید به پدرم چیزی بگوید. من هم تا چند هفته، زانم بند آمده بود و نمی‌توانستم حرفی بزنم. پدرم نمی‌دانست چرا من و مادرم یک‌شبه این‌قدر آشفته شده‌ایم و حاملان زیرورو شده است. مدام می‌پرسید چه اتفاقی افتاده و هر بار مادرم